

## امام صادق علیه السلام

زهر (سلام الله علیها) هرگاه در محرابش می ایستاد نور او به اهل آسمان می تابید همانگونه که نور ستارگان به اهل زمین می تابد.

بجارج ۴۳ ص ۱۲

### خطابه

#### رونمایی از یک نقشه برای عملیات مشترک جمعی: طرح نسل توحیدی

بیانات آقای اخوت درباره موضوع احیای هویت جمعی، پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه (قسمت دوم)

نسل توحیدی با رمز یا زهر علیها السلام و یا بقیه الله علیهم السلام تهیه کردم که البته هنوز مرحله بندی، زمان بندی و تعیین سمت ها در آن نشده است و فقط به عنوان نمونه می خواهم ارائه دهم تا معلوم شود منظورمان از نقشه عملیاتی و توزیع کار چیست. اینکه از نسل توحیدی مثال می زنیم برای این است که طرحی آماده است و کار انجام شده است. موجود حی است! اینطور نیست که یک چیز ذهنی باشد. این طرح سه سطح دارد. یعنی شما می توانید سطح اول، دوم یا سوم را انتخاب کنید که بسته به پتانسیل شماست. پس لطفاً به آنچه پتانسیل آن را دارید عمل کنید. لازم نیست سطح بالا را بگیرید. طرح باید مرتبه بندی داشته باشد. این طرح در سه مقیاس خانواده، جامعه و جوامع طراحی شده است که هر کدام هدف خاص خود را دارند (نمودار شماره یک). طبیعی است که در مقیاس خانواده، هدف می تواند ایجاد جریان نسل توحیدی باشد بلکه چنین هدفی مربوط به مقیاس جوامع است. پس لطفاً شعار ندهیم! یعنی اگر خواستیم در مقیاس خانواده کار کنیم، هدف ارتقای نسل در خانواده ها می شود. وقتی غایتها را خیلی بلند انتخاب می کنیم، به هیچ کاری نمی رسیم و آن کارهایی هم که می توانستیم انجام دهیم را انجام نمی دهیم! به قول روایت معصوم علیه السلام باید بدانیم «اخذ القلیل افضل من ترک الكثير». در مقیاس جامعه هدف ایجاد ارتباط بین خانواده ها و نسل هاست. در این سطح جریان تولید می شود ولی اگر بین جوامع توانستیم ارتباط برقرار کنیم، اینجا می توان جریان نسل توحیدی را به عنوان هدف در نظر گرفت. نوعاً در طرح های ما این سطوح قاطی شده است! یعنی مثلاً غایت یکی برای سطح دیگری نوشته شده است.

در این طرح سه نقشه برای سه مقیاس داریم. و هر نقشه، مشتمل بر شش گام به همراه مقصد و شیوه اجرایی است. نقشه اول مربوط به مقیاس خانواده است (نمودار شماره دو). برای مقیاس خانواده، شش گام تعریف شده است. در گام اول برای اینکه نسل توحیدی را در مقیاس خانواده فعال کند، یاد می دهد چطور افراد همسرگزینی کنند. بعد از آن آموزش مهارت های با هم بودن است. بعد، ارتقای فرزندخواهی، سپس آموزش القاء در دوران جنینی و بعد از آن تعلیم در دوره شیردهی است. در آخر هم تعلیم و تزکیه در دوره طفولیت باید بیان شود. هر کس می تواند متصدی یکی از این گامها شود. برای هر کدام از این مراحل بسته محتوایی می خواهیم که الان تقریباً بسته

بحث هفته پیش در این باره بود که برای شب نیمه شعبان که از شبهای قدر است چیزی را دست و پا کنیم، خدمت امام زمان علیه السلام ارائه داده و خودمان را به نوعی آماده کنیم. به امام عرض کنیم که امسال برای ما با سالهای پیش تفاوت کرده است و بتوانیم چیزی خدمت ایشان ببریم. آن چیز، حول محور هویت جمعی و تشکیل جمع ربانی باشد. توصیه کردیم اگر کسی خواست هویت جمعی را ببیند، باید روحیه هم دلی و هم گرایی را ببیند. در آن جلسه مطرح شد که آیا می شود کار مشترکی را اعلام کنیم تا همه به صورت عملیاتی انجام بدهند؟ گفتیم باید شرایط جور شود. تصور بنده این است که الحمدلله اغلب مدارس تخصصی الان خیلی خوب دارند ساماندهی می شوند و خیلی از کارها از طریق مدارس پیش می روند.

پیشنهاد اول این است که به جای اینکه یک کار مشترک برای همه انتخاب کنیم، هر مدرسه ای این کار را با اعضای خودش انجام بدهد. یعنی هر مدرسه یک کار اصلی برای خودش تعریف کند و خودش هم رهبری آن کار را از صفر تا ۱۰۰ بر عهده بگیرد. پیشنهاد دوم این است که اگر دوستان بخواهند یک کار جمعی مشترک تعریف کنند، مثلاً بخواهند بر روی طرح پرورش نسل توحیدی کار کنند باید دو-سه نفر را مسئول طرح بگذارند و برای آن عملیات جمعی، اول نقشه بکشند. مسئولان طرح یا باید آنقدر قوی باشند که کار را از صفر تا ۱۰۰ خودشان انجام بدهند که فعلاً ما چنین شرایطی نداریم. یا باید به دیگران پیشنهاد همکاری بدهد که عموماً هرکسی مشغول کارهایی است و در آخر، کار به خودشان می رسد و طبیعتاً متوقف می شود و یا اینکه از نیروهای جدید باید دنبال همکار بگردند که مدتی طول می کشد و گرنه کار قوی در نمی آید. بنابراین ما باید شرایط را طبق آن واقعیتهایی که داریم پیش ببریم. یا باید کارهایمان را محدود کنیم و یا باید حوزه های فعالیت را از هم جدا کنیم و هر حوزه کاری، نیروهای خاص خودش را داشته باشد، نه اینکه افراد بخواهند در چندین کار مشارکت داشته باشند که در این صورت همه کارها زمین می خورد چون افراد محدودند.

برای مثال عملیاتی از پیشنهاد دوم یک طرح با عنوان «دورنمایی از نقشه عملیاتی

است که البته هنوز مرحله بندی و زمان بندی نشده است. بر اساس فراخوانی که می دهیم و افرادی که حاضر به همکاری می شوند، زمان بندی خواهیم کرد.

نکته بسیار مهم در عملیات این است که کار فرهنگی نه حرص خوردن می خواهد و نه دغدغه! بلکه یک آدم کاملاً راحت می خواهد! نباید ناراحت شد که آدمها قول می دهند اما می روند! بلکه باید از قبل پیش بینی کرد. فوت کوزه گری زمان بندی طرح، به همین در نظر گرفتن احتمال خطاهاست. به هر حال کار نباید روی زمین بماند و مسلمانی یعنی پیش از موعد قرار، کار را آماده کنید و بر تعهداتتان پایبند باشید.

پس مزیت این پیشنهاد این است که جمعی بوده، احتمال شدنش زیاد است و همگرایی ایجاد می کند. اما یک عیب دارد و آن اینکه ممکن است مثل بقیه طرحها، افراد بگویند هستیم اما در واقع نباشند و فراموش کنند! خود اینکه ۱۰۰ نفر در یک کار مجتمع همکار باشند، هیچ گونه اختلاف و دغدغه ای بینشان نباشد و به جز همان کار به چیز دیگری فکر نکنند، مهارت خیلی زیادی است. نوعاً انسان اینطور است که برای انجام کار یک ساعته دغدغه ۱۰ ساعته تولید می کند! چون مثلاً با اینکه فقط یک قسمت از کار مربوط به ماست، در بخشهای دیگرش هم دخالت می کنیم و خیلی دوست داریم اطلاعات بقیه را هم به دست بیاوریم! در صورتی که در کار عملیاتی بعضی وقتها دستاورد یک گروه به هیچ وجه نباید به دیگران انتقال داده شود. ما برای اینکه بتوانیم عملیات بکنیم، اول رازداری افراد را تست می کنیم یعنی یک خبر را مخابره می کنیم و تست می گیریم که یک خبر در چه سرعتی و با چه وسعتی انتقال پیدا می کند! وقتی وارد فضای عملیات می شویم، احتیاج به حد بندی داریم. پس هر کس باید هر جا که هست و هر چیز که دید، چیزی نگوید. دغدغه بیش از حد هم در خودش ایجاد نکند و فقط همان کاری که مربوط به خودش هست را انجام دهد. اینها شعارهای انجام یک کار عملیاتی است!

تقریباً می شود گفت که در مملکت ما کار فرهنگی و اساسی تعطیل است، همینطور کار سازندگی. اگر جایی پول باشد، عده ای کار می کنند. البته بعضی جاهای معدود مانند جشنواره عمار و غیره با همین منطق جلو می روند. کارهای عملیاتی بسیار جالب، اثرگذار و لازم هستند. الان در کشور ما همانطور که رکود کارهای اقتصادی است، رکود کارهای فرهنگی هم وجود دارد. باید تعدادی افراد کاربلد که بحث مالی برایشان موضوعیت نداشته باشد، وسط میدان بیایند. فضای عملیات فرهنگی در کشور ما تقریباً صفر است و بدتر اینکه برای بعضی افراد این فضا تبدیل به یک نون دونی بزرگ شده است! پس مجموعه هایی مثل مدرسه قرآن که نیروهای درونی و ذاتی دارند، می توانند چنین کارهایی انجام دهند. ما چاره ای نداریم جز اینکه مملکت را از این وضعیت نجات بدهیم. این نکاتی که راجع به عملیات فرهنگی می گوئیم یک زمانی در کشور کار تفننی بود اما الان واجب کفایی و در حد، حفظ اصل نظام است. هر کاری که مدرسه قرآن انجام بدهد، در راستای حفظ اصل نظام خواهد بود. یک زمانی انجام عملیتهای فرهنگی، دسر طعام معنوی مردم بود، ولی الان اصل غذای ما و ضرورت اولیه است. چند سال دیگر سیمای مملکت اینگونه نخواهد ماند و اگر این کارها را نکنیم، اتفاقی مثل کشف حجاب قطعی و قابل پیش بینی است. یک زمانی بحث از عملیات، انجام یک کار مثل زندگی عادی است اما یک موقع، مثل جنگ است! مثل این است که دشمن وارد خانه شده و همه باید هرچه دارند بردارند و دشمن را بزنند. ممکن است تصور کنید که بنده دارم غلو می کنم. هر کس فکر می کند اینها غلو است، به آمارها نگاه کند و به شهرهای مختلف برود و در تهران هم دوری بزند! پس عملیات کردن ضروری است ولی هر کسی هم نمی تواند عملیات کند. به دلیل اینکه اگر عملیات فرهنگی روی اصول نباشد، دشمن می تواند آن را بگیرد، نقشه اش کند و به خودمان برگرداند و مثل بیماری ویروسی آن را تشدید کند.

پیشنهاد سوم هم این است که هر دوی این کارها با هم انجام شود. امیدواریم خداوند به برکت این شب و روز به ما هم واحد بدهد تا بتوانیم با هم گرایی و هم دلی به مقاصد بلند برسیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

محتوایی همه را داریم. یعنی لزومی ندارد که کار جدیدی انجام شود.

تربیت مربی هم توسط مدرسه اهل بیت (ع) می تواند انجام شود. در این دوره ها قرار نیست مثلاً با اختلال لکنت زبان کودک مواجه شویم و برای آن راهکار دهیم بلکه هدف این است که دانش افراد درباره نسل توحیدی ارتقاء یابد. هدف در این مقیاس را نباید بلند گرفت بلکه هدف را ارتقایی می گیریم. و ظرف یک دوره کوتاه م--مثلاً ۳۰ ساعته- مربی آن را آماده می کنیم. می توان کارگروه پژوهشی هم برپا کرد و بر روی هر کدام از مراحل عمیق تر کار شود. هر کدام از بخشها به سرپرستی یک نفر می تواند انجام شود که مثلاً با هدایت مدرسه اهل بیت (ع) جلو برود.

حال اگر خواستیم یک قدم فراتر برویم، مقیاس طرح را مقداری بزرگتر می کنیم (نمودار شماره سه). یعنی همان شش گام قبلی وجود دارد اما جهت دستیابی به مقصد «ارتباط خانواده ها و نسلها با هم» در گام اول که ارتقای همسرگزینی است، جهت ایجاد تالیف و گروه، حتماً نیاز به گروههای مجازی و رسیدن به تعداد نصاب خاصی داریم و باید پایگاه سازی کنیم. مثلاً در همین گام، حتماً باید شناسایی یک سری افراد و هم گرایی معنوی و علمی آنها در دستور کار باشد. در اینجا باید یک مخزن حاوی اطلاعات از آقایان و خانمهای مجرد که موردهای خوبی برای ازدواج هستند داشته باشیم. این گامها کاملاً عملیاتی هستند و احتیاج به روابط عمومی، تبلیغات و بازار گرمی دارند! قسمتهای مختلف نقشه و گامهای آن الزاماً ربطی به قسمتهای پایین دست یا بالادست خود ندارند. یعنی هر کس می تواند یک بخش را عهده دار شود و کارش را شروع کند. فقط کارها را باید زمان بندی کرد تا همه در یک زمان مشخص گزارش کارشان را بدهند. نباید ناهماهنگی پیش رفت.

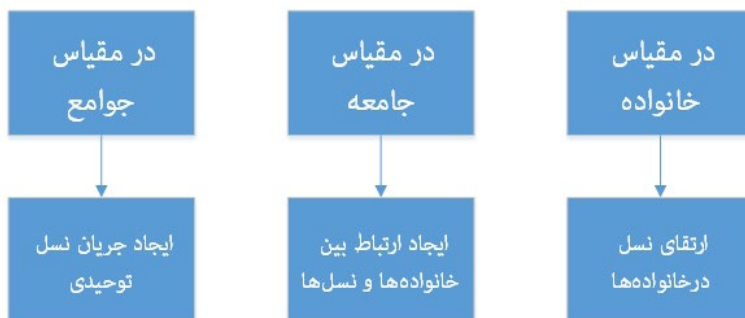
مثلاً گام سوم با عنوان «ارتقای فرزند خواهی»، محل شناساندن موثرترین عوامل تولید فرزند صالح و کشف موثرترین عامل انتخابی است که باید یک بانک اطلاعاتی و پرسشنامه داشته باشیم. اینجا دیگر روابط عمومی نمی خواهد بلکه احتیاج به کارهای مدل روانشناسی دارد. مسئول بخش باید فرم پرسشنامه تهیه کند و با پیگیری فرمها را به افراد بدهد تا پر کنند. ما الان ما حدود ۲۰۰ زوج داریم که فرزندشان متولد شده است. اگر این فرمها را الان پر نکنند بعد از مدتی اطلاعات آن دوران را فراموش می کنند و پاسخ درست نمی دهند. در نتیجه نمی توان پرسشنامه ها را تحلیل محتوایی دقیق کرد، عوامل را استخراج نمود، پس نمی شود ادعای درست در مورد علت های اتفاقات داشت. با این تفاسیر، هر قسمت طرح، یک مسئول جدا با دغدغه آن کار را نیاز دارد.

حال اگر گفتیم قدرت ما بیشتر از این حرفهاست، یک مقدار طرح را بزرگتر می کنیم و نسل توحیدی در مقیاس جوامع را خواهیم داشت (نمودار شماره چهار). این طرح هم با همان شش گام عملیاتی اجرا می شود با این تفاوت که در این مقیاس از طرح لازم است که جمعیت های مختلف داشته باشیم. پس اختلاف نظر را باید کنار گذاشت و روی برآیند فکرها کار کرد. در دل این کار باید جمعیتی حاصل شود که نه مربوط به مدرسه قرآن باشد و نه مربوط به گروههای دیگر، بلکه محصولات را با گروههای دیگر مشترک کرد و در یک بسته قرار داد. طبق این طرح در مدت یک سال، می توان بین چهار مرکز دینی ارتباط برقرار کرد و حدود هزار تا کودک نسل توحیدی در دستتان خواهد بود.

اینکه ما می گوئیم همه کارهایشان را راها کنند و یک طرح را عملیاتی کنند، منظورمان این چنین کاری است. مدرسه قرآن بین ۷۰ تا ۱۰۰ نیروی متخصص در رشته های مختلف دارد که حدود ۳۰ نفرشان، فوق لیسانس و دکتری هستند. همچنین رزومه ای در کم جمعیتی پیدا می شود. یعنی آن ۱۰۰ نفر متخصص نمی توانند این طرح را بلند کنند؟! چرا می شود. اگر هر کس از این ۱۰۰ نفر در هفته یک ساعت وقت بگذارد و با هم همگرا باشند، بنده حاضر تضمین کنم و مسؤول اجرای طرح باشم و اعلام کنم که در زمان بندی های مشخص چه اتفاقاتی می افتد. چون اگر کسی ذهن عملیاتی اش نظام نداشته باشد، به درد هیچ عملیاتی نمی خورد! پس منظور ما از طرح چنین چیزی

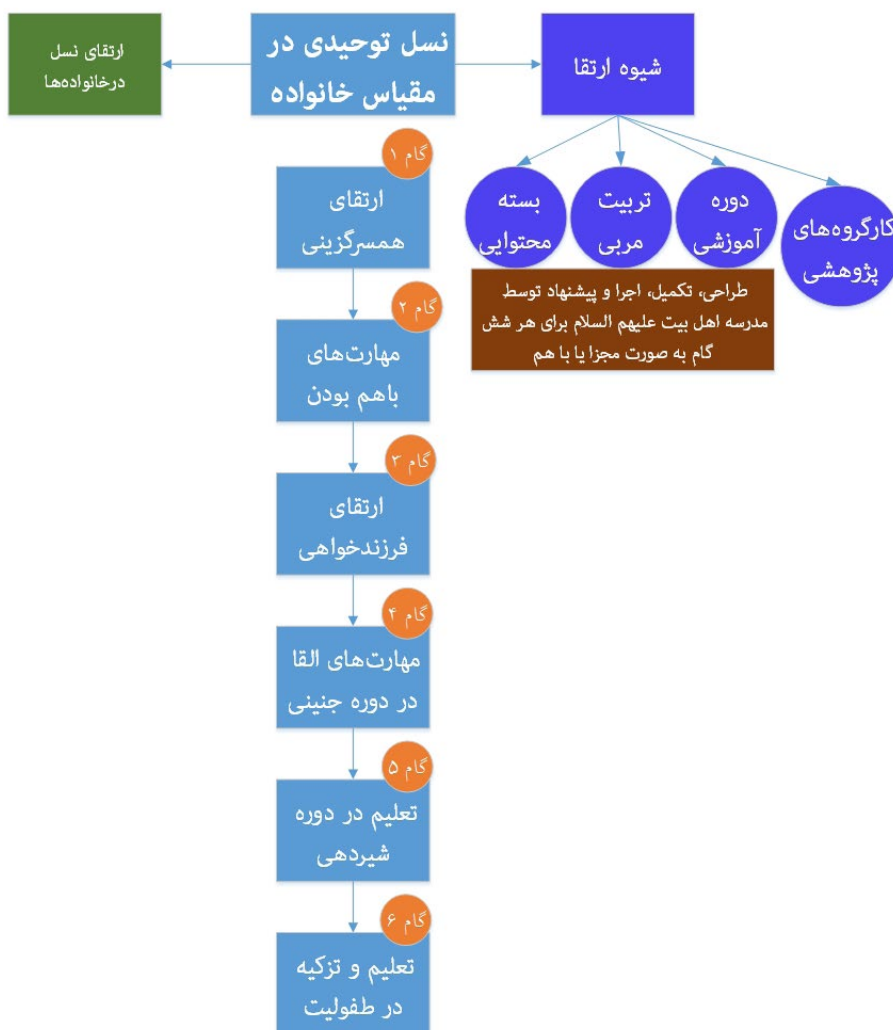
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد  
يا زهرا يا بقیة الله

### نسل توحیدی



نمودار ۱: طرح نسل توحیدی در سه مقیاس

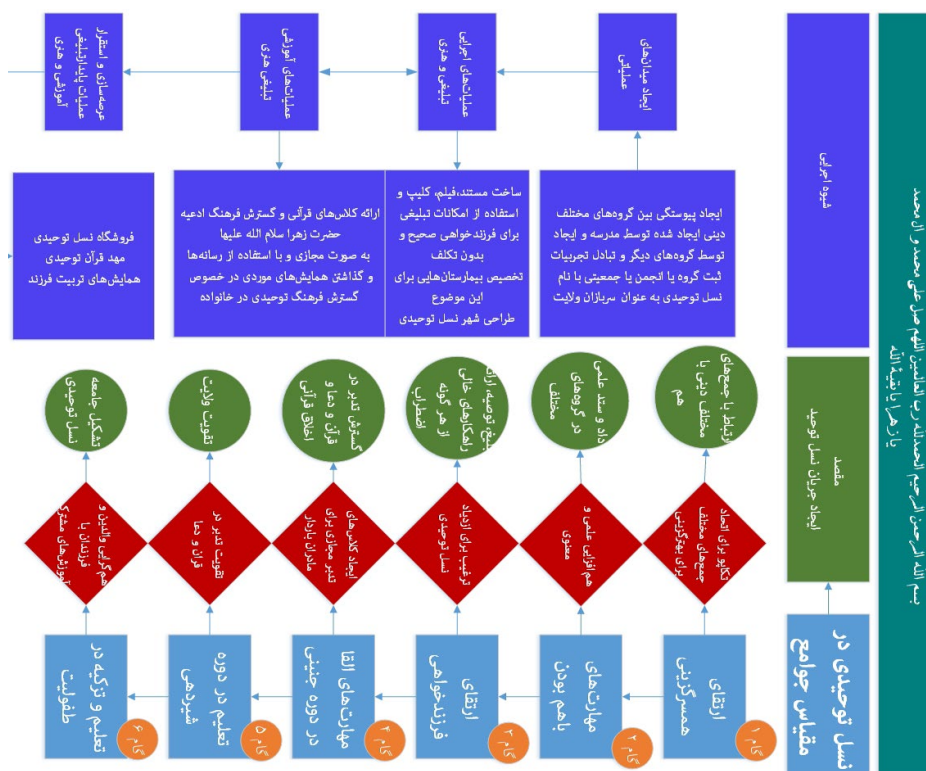
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد  
يا زهرا يا بقیة الله



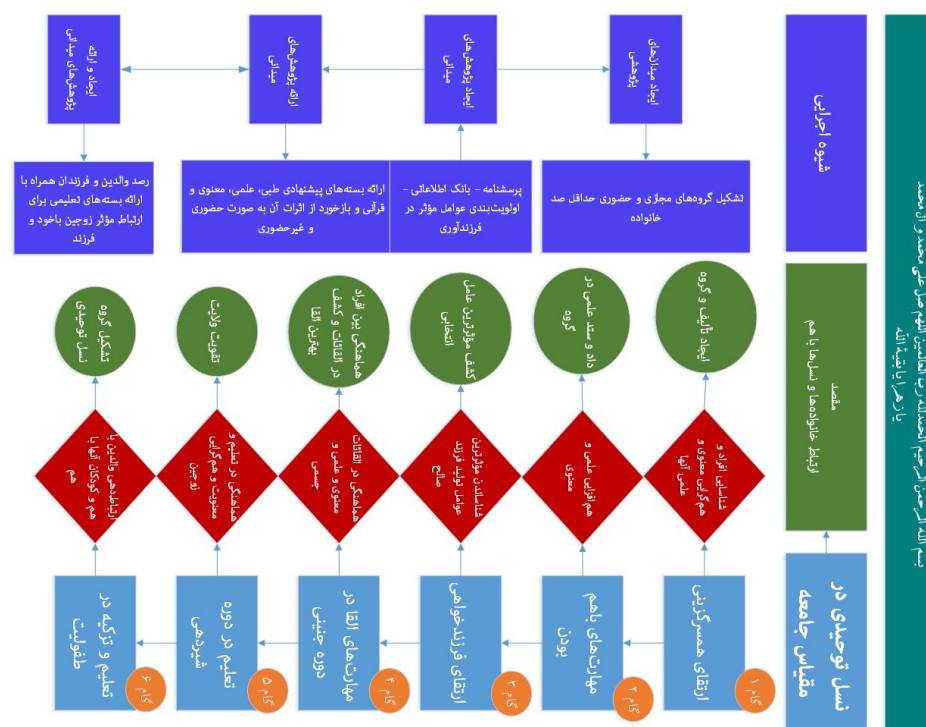
نمودار ۲: نسل توحیدی در مقیاس خانواده



## فردار ۴: نسل توحیدی در مقیاس جوامع



## فردار ۳: نسل توحیدی در مقیاس جامعه



### برگزاری همایش سوره مبارکه طور توسط مدرسه اهل بیت (ع)

۱۰-۱۲ و در مکان مدرسه اهل بیت (ع) برگزار خواهند کرد. شرکت برای عموم قرآن‌دوستان آزاد و مایه امتنان می‌باشد.

دانشجویان دوره تفکر در قرآن در مدرسه اهل بیت (ع) همایشی با عنوان «میقات مشفقین» و با محوریت سوره مبارکه طور در روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ساعت



صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت  
زیر نظر | هیأت سردبیر  
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعت‌مدار  
هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی  
مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت  
@QuranEtratSchool

